



۱۱۰

سوسیالیسم امروز

۱۵ مهر ۱۳۹۸ - ۷ اکتبر ۲۰۱۹

S_zijji@yahoo.se

سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

در دفاع از اعتصاب کارگران هفت تپه و در اعتراض به حمل یک بانر ارتجاعی

صفحه ۴

عراق بعد از صدام و اعتراضات اخیر آن

صفحه ۷

سرنگونی جمهوری اسلامی از راه قیام کارگری و قیام مسلحانه توده ای

صفحه ۵

بازی تیم ملی ایران و کامبوج و بازی با زنان!

شبکه های اجتماعی مجازی

و شکل گیری تصویر ذهنی زنان از بدنشان

صفحه ۷

- اعتراضات کارگران هفت تپه به روایت چند تصویر و گزارش

- اعتراضات کارگری، بازنشستگان، و معلمان به روایت چند گزارش تصویری

صفحات ۱۰ و ۱۱

سمینار در باره ضرورت ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی

صفحه ۱۲

گفتگو با سلام زیجی در باره ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی در ایران

صفحه ۵

از فاشیسم اسلام خمینی در گودالوپ فرانسه تا مضحکه "شورای مدیریت گذار" شونیستها و قوم پرستان در لندن

سلام زیجی

در ادامه یک پروسه طولانی مدت آلترناتیو سازی اپوزیسیون بورژوازی ایران، اعم از شونیستها و ناسیونالیستها، که در قالبهای "شورای ملی"، "قفنوس"، "فرشگرد"، و "کنگره ملی" و غیره هیاهو راه انداختند و البته ناکام ماندند، اکنون شاهد تولد همین سبک "دمکراتیک" و بیخود خود را نماینده مردم قلم داد کردنیهای "آلترناتیو" سازی دیگری هستیم که دوباره با "مدیریت" رضا پهلوی و اساسا جریانات حامی نظام فاسد سرنگون شده شاهنشاهی به اضافه تعدادی قدیم پاسدار جنایتکار و چند کاسه لیس همیشه سر بزیر از جریانات ناسیونالیست قوم پرست کورد و ترک، تحت پوشش جدیدی به اسم "شورای مدیریت گذار" هستیم. این "شورای" بورژوا-شونیستی- قوم پرستی در روزهای ۲۸ و ۲۹ ام سپتامبر برابر با هفتم و هشتم مهر ماه، طی مراسمی در "امپریال کالج شهر لندن" فعالیت خود را شروع کرد.

سال ۵۷ هنگام قیام سراسری جامعه ایران برای سرنگونی نظام پادشاهی جنایتکار، که بیش از نیم قرن حاکمیت استبدادی و شونیسم فارس را "مدیریت گذار" کردند، بورژوازی جهانی در هیئت دولت امریکا، فرانسه و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

از فاشیسم اسلام خمینی در گودالوپ فرانسه تا...



روزی در قالب اسلام و خمینی ارائه کرد و مردم زیادی را فریب داد، اکنون در پوشش ملی گرای و حقوق ملی و میهن و تاریخ نویست و پنجاه ساله یک مشت شونیست و عناصر مجرم و آلت دست ارتجاع بورژوازی تکرار میکرده تا از نو چاله دیگری برای مردمی کنده باشند

که از دست جمهوری جانی اسلامی به تنگنا آمده اند و ممکن است به هر پدیده ای تن بدهند تا از دست این رژیم خلاصی یابند. کاری که دقیقا ما در سال ۵۷ دچار چنین اشتباه مهلکی شدیم، اعتراض و انقلاب و اعتصاب کارگری و مطالبه های آزادیخواهانه و همچنین قربانی دادن ما بودند اما قدرت بدست یک مرتجع مرتجعتر از شاه افتاد. آنزمان فقط فهمیدیم بگوئیم مرگ بر شاه، نمی دانستیم برآستی آلترناتیو بعدی ما باید چه باشد و چگونه باید آنرا متحقق کرد. اصلا بخشی از نیروی چپ بورژوا و پوپولیست آندوره که هنوز هم در میدانند و "اتحاد با هم" تشکیل می دهند، به شکست ما و قدرت گیری ارتجاع کمک کردند. به همین دلیل ساده و روشن بورژوازی ایران به رهبر خمینی فاسد آدمکش کل آن انقلاب را شکست داد و برای شکست آن هم از کارگران شروع کردند و هنوز هم بی وقفه این جنگ ادامه دارد. طبقه ای که حتی این "شورای" مضحک بورژوازی شونیستهای عمو زاده جمهوری اسلامی از اسم بردن از آن در اسنادش زبانش لال شده و وحشت دارد. در هر صورت برای برخی گویا به دلیل فراموش شدن تاریخ سیاه گذشته دوره پهلوی و به دلیل جنایات بیشمارتر جمهوری اسلامی، و به دلیل از سر گیری همان اعتراضات و مطالبات دوره شاه، که اکنون علیه جمهوری اسلامی تمرکز پیدا کرده است، از نو نوبت فریب جامعه و زمان به میدان آمدن تکنوکراتهای پایبون و کراوات پوشان ملی گرا و پرفسورها و محققین مواجب بگیر به منظور مهندسی افکار عمومی فرا رسیده است. گویا از منظر آنها مردم ایران رعیتهای هستند که بجز انتخاب خرافه اسلام و شونیسم و ملی گرائی طبقه حاکمه بر کشور راه سومی ندارند. نه به هیچ وجه نباید به دام این شیادان رنگارنگ بورژوازی افتاد! جامعه ایران، طبقه کارگر ایران برای همیشه باید پرونده هر دو جنبش ارتجاعی بورژوازی ایران، شونیسم و ملی گرائی و اسلام، را باید ببندد و پرچم و آرمان رهاییبخش طبقه کارگر و استقرار جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی را در ایران متحقق و مستقر کند!

ما برعکس بخشی از آن چپ هپروتی دنباله رو حوادث و پوپولیست ۵۷ ی که همچنان در حال و هوای سال ۵۷ زندگی میکنند و تصور کودکانه اش این است که این اتفاقات مهم نیست و حتی به نفع "سرنگونی" می دانند، فکر میکنیم. بنا به گفته مالخولیایی آنها "چپ هژمونی" دارد!، و آنها هر روز سرگرم انقلاب هستند و بیست سی سال است هر هفته رژیم را در سرآشوبی سقوط می بینند، و سرانجام "کارگر و سوسیالیسم" پیروز می شود، چرا که این "حکم تاریخ" است و غیره. ما اتفاقا این نوع تحرکات بورژوازی ایران را چه در ایران و چه در قالب اپوزسیون بسیار جدی میگیریم،

ادامه ←

بریتانیا به همراهی بخشی از بورژوازی ملی-اسلامی های مرتجع ایران رفتند در گودالوپ فرانسه "آلترناتیو" برای جایگزینی "شاه" و طرحهای به منظور ممانعت از پیروزی انقلاب ۵۷ را سازمان دادند، و در این راستا همه امکانات مدیایی و مادی تا همراه کردن ارتش را در اختیار یک موجود کپک زده دوران قرون وسطایی به اسم خمینی قرار دادند و تبدیلش کردن به رهبر "انقلاب!"، و سپس خودشان نیز نظاره گر و کمک کننده سرکوب خونین انقلاب کنندگان و تداوم چهل سال جنایت شبیه نازیها به واسطه جمهوری اسلامی بودند.

اگر چه اوضاع آنزمان و امروز از خیلی جنبه ها متفاوت هستند، اما اساس نقشه و تلاش بورژوازی ایران در جدال با کشمکشهای درونی خود و جدال همه شان در جهت به زانو در آوردن طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه همچنان جاری و به قوت خود پا بر جا است. هنوز در بر روی همان پاشنه می چرخد، چه در ایران چه در خارج و چه در جایگاه اپوزسیون راست در تحولات سیاسی امروز ایران. شکل تکرار سناریو گودالوپ خمینی با دوره کنونی ممکن است متفاوت باشد اما تلاش واقعی نیروهای کدخدا منش مانند "شورای مدیریت گذار" دقیقا تکرار همان سناریو در شرایط جدید است. در غیاب هشیاری جامعه از جمله در غیاب تشکل و تحزب گسترده کارگری و طبقاتی و ابزار سازیهای توده ای مبارزه و مقاومت و بر خورداری از آمادگی عملی برای نبرد نهائی به هدف کسب قدرت سیاسی از جانب طبقه کارگر و جنبش سوسیالیسم کارگری، که متاسفانه کمبودها و خلاهای بسیار عمیقی در آن وجود دارد، بورژوازی جهانی و اپوزسیون راست و چپ بورژوا و جمهوری اسلامی هر سناریوی که بخواهند میتوانند دوباره به ما تحمیل کنند. بنظر میرسد طی یکی دو سال اخیر، و به ویژه در صورت عدم موفقیت آنها در رام کردن جمهوری اسلامی و عقب نشینی به آن در منطقه، کارت دوباره "آلترناتیوسازی" بورژوازی جهانی و داخلی در قالب و پوششهای جدید از جمله در پوشش ملی گرای و میهن پرستی و هذیان گویی رسالت دفاع از "تمامیت ارضی میهن" و البته با همکاری "اقلیتهای ملی و مذهبی" و دادن "حقوق اقلیتهای" یعنی تامین منافع اقتصادی و اداری بورژوازی اقلیتهای ملی و مذهبی، دوباره میتواند در بورس قرار بگیرند و به جای آینده خوشبخت و آزاد و حق شهروندی برابر، که حق اولیه کلیه شهروندان است، دوباره سیاهی و عقب گرد را به آن مملکت تحمیل نمایند. نمایش های آلترناتیو سازی امروز به ظاهر جدی تلقی نمیشوند اما میتواند به مخاطره بسیار پر هزینه ای برای کارگران و مردم آزادیخواه در ایران منجر گردد.

آنچه که اسناد "سه گانه" این "شورای" بورژوا-شونیستی-ناسیونالیستی، بیان میکند در هیچ موردی از ادعاها و قولهای خمینی در ۴۱ سال پیش در گودالوپ فرانسه جلو تر و یا چیز بهتری در چنته ندارد. فقط یک مشت دروغ و ادعا آن هم از جانب نیروها و کسانی که خود هم مجرم و هم امتحان پس داده اند و ربطی به آزادی و برابری واقعی شهروندان هرگز نداشته اند! تکرار مضحک همان دروغهای که بورژوازی ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از فاشیسم اسلام خمینی در گودالوپ فرانسه تا...

ما تره هم برای کسانی که مدعی اند نباید "اپوزسیون اپوزسیون" شد خورد نمی کنیم. چونکه این دقیقا حربه و هدف امثال همین بورژواهای گرد آمده در "شورای مدیریت گذار از جمهوری اسلامی" هم هست. بنظرم به همان اندازه ای که علیه جمهوری اسلامی تلاش میکنیم باید کل جامعه را نیز علیه سناریوهای ضد انقلابی الترناتیو سازیهای دولتهای امپریالیستی و احزاب راست و ارتجاعی آگاهتر و ترغیب کنیم. ما کارگران و سوسیالیستها و قربانیان دست دو حکومت فاشیست پادشاهی و اسلامی باید جامعه را علیه کپی شده های جریان خمینی و جمهوری اسلامی بسیج نماییم.

اگر فرد مرتجع و ناآگاه و عقب مانده ای در ایران به حاکمیت جمهوری اسلامی و بوسیدن دست خامنه ای و دولا شدن احمقانه اش در مقابل این وحوش اسلامی عادت گرفته باشد و رضایت به این "زندگی" بدهد، باوجود همه عقب ماندگی که در آن نهفته است، هنوز هزاران بار از شرافت بیشتری برخوردار است نسبت به زن و مرد "مدرن" و "تحصیل کرده" حتی مقیم اروپا و آمریکا که با فرهنگ شرم آور "رعیت مدرن" برای دست بوسی امثال "رضا پهلوی ها دولا میشوند، که هیچ ربطی هم به زندگی و مبارزه چهل ساله جامعه ایران ندارد، یا به همین ترتیب در مقابل پرچمی که رنگ و شیر و شمشیر و شاهش هم درست مانند ماهیت اسلام و خمینی و پرچم و قرآن شان نر سالار و ضد زن و ضد برابری انسانهاست، دولا میشوند. مسئله فقط بحران شخصیتی و یا تناقض فرهنگی در بین این آدمها نیست، اگر چنین بود میشد از راه آموزش و یا روان درمانی آنها را چاره نمود، اما مسئله این است که سیستم نظام بورژوازی در ایران، حتی در کل منطقه نیز، تاریخا به این نوع نظامها

و "رهبران" ماورا اجتماعی نیاز دارند، و بعضا "سایه خدا" هم باید باشند! نظام طبقاتی حاکم در آن کشور، چه اسلام شیعه یا سنی حاکم باشد یا شونیسیم فارس یا بورژوازی "تحت ستم" "اقلیتهای ملی" فرقی نمیکند، منفعت بورژوازی ایران ایجاب میکند که در کنار زندان و شلاق و سرکوب عربان کارگر و کمونیزم آن طبقه و مردم متمدن و آزادیخواه فرهنگ کثیف بازمانده دوران برده داری و فنودالی را به فرهنگ بخشی از مردم تبدیل کنند و از آن به عنوان اهرم فشار علیه فرهنگ برابری طلبی و سوسیالیستی و مترقی در جامعه و همزمان به مثابه یک رکن مهم بقای خود بهره می برند. مبارزه ما با دولتهای سرمایه داری حاکم در ایران همزمان است با مبارزه برای پایان دادن به این دو فرهنگ عقب مانده دوره قرون وسطایی پادشاهی و اسلامی و امام بازیها و سینه سنی زنها و دولا شدنهایشان نیز هست!

سیاست و استراتژی این جریان دست راستی، ریاکارانه، همسو با منفعت بورژوازی ایران و همچنین برای تامین منفعت و بقای "بخشی از حاکمیت" اسلامی، و در راستای ممانعت از وقوع انقلاب کارگری و خروش انقلابی طبقه کارگر و آزادیخواهان علیه جمهوری اسلامی، در جهت ممانعت از انحلال دستگاه سرکوب، زندان، ارتش، سپاه، اطلاعات، و سر انجام برای تامین منافع بورژوازی ایران در "بازار جهانی" است نه هیچ چیز دیگری! در این چهار چوب است که طبق روال معمول بخشهای مختلف بورژوازی و کاسه لیسان طبقه حاکمه برای رسیدن به قدرت و سهم بری خود در صدد گذاشتن کلاه گشاد دیگری بر سر مردم هستند و به آنها دروغ میگویند.

با سو استفاده از اسم "مردم ایران" و "اقلیتهای قومی" و عریده کشی "تمامیت ارضی" و "میهن" و "تمدن کهن" میخواهند یکبار دیگر درد و رنج و مبارزه و قربانی دادن دهها میلیون کارگر و کودک و انسان زحمتکش را در جهت "گذار از جمهوری" اسلامی، و استقرار یک نظام شبیه فاشیستی بورژوازی دیگر که در زورق "دمکراسی" و "حقوق بشر" بیچیده شده، با همت امریکا و بریتانیا و دیگر دولتهای که یک زمانی با "گودالوپ" توانستند انتقام شدیدی از طبقه کارگر و انقلاب کنندگان ضد شاهنشاهی بگیرند، اینبار نیز در شرایط تاریخی دیگری آنرا تکرار نمایند. از "گذر" سخن می گویند تا در شکل دیگری مانع سرنگونی جمهوری اسلامی و انهدام ارگانهای سرکوب به دست کارگران و مردم معترض شوند. به جای "مدیریت خمینی" اینبار در روئیای "مدیریت گذار"، تحت پوشش اسم نامربوط "شورا" و از کانال امثال رضا پهلوی و شریعتمداریها، و چند پاسدار قدیمی و همکار پیشین خمینی و چند "رهبر" خود فروخته "اقوام" میخواهند به جای شیپور فریب مذهبی اینبار شیپور به مراتب خرافاتی تر و عوامفریبانتر و خونین تر ملی گرای و شونیسیتی را با تکرار ملال آور سفسطه های شناخته شده همه بورژواهای ریز و درشت امروز جهان سرمایه داری مبنی بر "دمکراسی" و "حقوق بشر" که نمونههای گند و ضد انسانی اش در جهان و منطقه میبینیم، به صدا دریاورند.



اینها از من و شما و طبقه کارگر و زحمتکش (اکثریت جامعه) هم میخواهند با آنها "اتحاد ملی" کنیم!، شیدای بورژوازی هم حد و مرزی دارد!! اما ما با صدای بلند و با بیان روشن به همه حامیان دیروز و امروز نظام پادشاهی و جمهوری اسلامی و به همه شونیسیتها و نژاد پرستان مرتجع و نیروهای که

میخواهند در راه پیشروی و پیروزی کارگران و زحمتکشان و سوسیالیسم در ایران اغتشاش سیاسی و مانع ایجاد نمایند و ادای شعبده بازی "ملی" و "هم وطن" و "همه ایرانی هستیم" را در بیاورند میگوئیم کور خوانده اید! نمیگذاریم آب راحت از گلویتان پائین برود، نمی گذاریم حربه سال ۵۷ را به آسانی تکرار کنید!، شما ها چه در اپوزسیون باشید و چه در حاکمیت برای ما جز یک مشت عنصر موجب بگیر و حامی نظام فاسد سرمایه داری و طرفدار استثمار و سرکوب و اعمال حاکمیت یک اقلیت انگل سرمایه دار بر اکثریت جامعه نیستید! حال چه لباس اسلام را بپوشید یا لباس ملی گرای و شونیسیتی و ناسیونالیست بجز یک جنبش انگل استثمارگر و مایه شرم بشریت متمدن، که شرط انسانیت اش برابری کامل شهروندی در همه امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، هستید.

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیسیتی، مذهبی و قوم پرستی در سراسر کشور. ما همه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

در دفاع از اعتصاب کارگران هفت تپه و در اعتراض به حمل یک بانر ارتجاعی

کارگران نیشکر هفت تپه برای گرفتن حق خود، از جمله در اعتراض به اخراج ۲۰ کارگر همکارشان از سوی مافیایی حاکم بر این مرکز، دور دیگری از اعتراضات در شکل اعتصاب را شروع کرده اند. کارگران اعتصابی بازگشت به کار کارگران اخراجی را شرط پایان دادن به اعتصاب و بازگشت به کار اعلام کرده اند. حمایت بیدریغ از همکاران اخراج شده یک اقدام بسیار ارزشمند طبقاتی و شایسته حمایت همه کارگران هفت تپه و طبقه کارگر ایران از چنین اعتصاب و مطالبه ای است. ما به سهم خود اخراج ۲۰ نفر از کارگران هفت تپه را، که در ادامه جنایات و سرکوب مبارزه پیشرو این بخش از طبقه کارگر ایران است، قویا محکوم میکنیم. از کارگران و مردم از ادیخواه کشور می خواهیم از اعتصاب و خواسته های بر حق کارگران هفت تپه حمایت کنند.

اما در عین حال ضروری میدانیم در خطاب به کارگران معترض اعلام کنیم که با اقدام بسیار نادرست و غیر کارگری مبنی بر حمل بانر "مطالبه" از رئیسی که با عکس دو جنایتکار تاریخ و از عاملین اصلی سرکوب طبقه کارگر و شکنجه و زندان و صادر کنندگان احکام های قرون وسطایی علیه امثال بخشی، یعنی با عکس خامنه ای و رئیسی جلاذ تزئین شده است، به شدت اعتراض داریم. مستقل از نیت عاملین چنین اقداماتی، این نوع شگردهای ضد کارگری به هیچ وجه در راستای منافع و اتحاد و خود آگاهی و کسب پیروزی کارگران از جمله در نیشکر هفت تپه نیست. چنین اقدامهای ولو " تاکتیکی"، ابتکار هر کسی بوده باشد همان نتیجه را برای طبقه کارگر خواهد داشت که در چهل سال اخیر امثال شوراهای اسلامی و خانه کارگرها و دیگر کاسه لیسان این حکومت ضد کارگری با چنین ترفندهای برای " مسائل و مطالبه کارگری" در مقابل یکی از ضد کارگری ترین حکومت های بوژوانی در جهان اقدام نموده اند.

رفقای کارگر!

شرط اول هر قدم پیشروی جنبش طبقاتی ما، از جمله در هفت تپه، در گرو جدا کردن حرف و عمل و شعار و بانر و عکس و صف و مطالبه خود از همه عناصر و سیستم حاکم جنایتکار جمهوری اسلامی و سرمایه داران، و از همه شاخه های ضد کارگری آن نظام، و همچنین از کلیه احزاب و جنبشهای راست ملی و اسلامی در ایران و در اپوزسیون است!

عکس قاتلین صدها هزار هم طبقه ای خود، عکس عاملین مرگ میلیونها کودک کار و خیابانی، عکس تحمیل کنندگان موقعیت طبقه کارگر به بردگان فاقد کوچکترین حق و حقوق، و عکس و بانر نمایندگان واقعی آسمان و زمین سرمایه داران فاسد حاکم بر کشور را حمل نکنید!، این جنایتکاران را زیر پای خشم ضد سرمایه دارانه تان له کنید و به همان فاضلابی به اندازه که احکام صادره علیه بخشی و قلیان و دیگران را به آن حواله دادید، رفقا، به پای خود تیر نزنید!

همه کارگران اخراج شده باید فوری به کار خود بازگردند!
زنده باد اعتصاب و اتحاد طبقاتی کارگران هفت تپه
زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۵ مهر ۱۳۹۸ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹



آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

گفتگو با سلام زیجی در باره ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی در ایران

در بخشی از آن فراخوان گفته ایم: "کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنهایی که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به قوانین "دوران وحوش، و بخاطر

مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار مینمایند سزاوار شدیدترین مجازاتها هستند". بنظر من چنانچه ضرورت توسل به این امر بدیهی زندگی مبارزاتی و مقابله با حاکمیت اسلامی، و شناخت عینی تر از هزینه بسیار سنگینی که حتی با دستان خالی و صدای بی صدائی هم متحمل شده ایم میتوانست به درک و سیاست و امر واقعی جامعه و احزاب سیاسی از جمله احزاب چپ و سوسیالیست تبدیل میشد اکنون شاید سالها بود که شاهد حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نمیبودیم. میخواهم تاکید کنم که ما با کسانی که همچنان در رویای خود فریبی مبارزه "مسالمت آمیز" و اصلاحات" و اینکه انشالله روزی سران رژیم دو دستی حکومتشان را تقدیم "مردم" میکنند بسر میبرند بحث و جدلی در این باره نداریم، بلکه علیه آنها هستیم همچنانکه علیه جمهوری اسلامی هستیم که افکار آنها را نیز نه این شکل مهندسی کرده است.

در عین حال این فراخوان به معنی شروع بلاواسطه "مبارزه مسلحانه" آنها از نوع سنتهای شکست خورده، ملی و خلقی و مذهبی رایج تاکنونی احزاب اپوزسیون در ایران نیست، ما از یک مقاومت متحد توده ای و ملیتانت متکی به خود و جنبش گسترده اجتماعی علیه سیستم سرکوب و در محل کار و زیست صحبت میکنیم. سیاست بسیار عملی، واقعی، و ممکن است به شرطی که این ضرورت به گوش همه برسد و فعالین جدی و سازمانده در این زمینه به میدان بیایند. بزرگترین مانع ممکن است فضای تحمیلی یاس و ترس و انتظار و عدم اعتماد به خود باشد که به واسطه جمهوری اسلامی، دولت امریکا، اپوزسیون مرتجع بورژوازی اعم از شونیستها و ناسیونالیستها و مذهبی ها در این همه سال به بخش زیادی از مردم حقه کرده اند.

اینکه پرسش کرده اید در این مرحله چه جایگاهی دارد در توضیحات فوق بر ضرورت آن مبارزه و جایگاه در همه طول عمر ننگین جمهوری اسلامی تاکید داشته و

سوسیالیسم امروز: سلام زیجی شما اخیرا فراخوان پروژه ای را تحت عنوان ایجاد "واحدهای مقاومت انقلابی" علیه جمهوری اسلامی اعلام کرده اید. این پروژه را به منظور کمک به مبارزه و مقاومت مردم و به هدف مقابله با عوامل سرکوب و جنایت و مشخصا علیه سرکوبگران اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده ای اعلام شده است. این فراخوان در این وهله ی زمانی چه جایگاهی دارد؟ و آیا به نظر شما این رویکرد میتواند استراتژی صحیحی در رابطه با مقابله با جمهوری اسلامی در رابطه با سرکوب جامعه و اعتراضات توسط این رژیم باشد؟

زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی!

کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنهایی که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به قوانین "دوران وحوش، و بخاطر مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار مینمایند سزاوار شدیدترین مجازاتها هستند. اقدام برای مجازات انقلابی توده ای این مزدوران وحشی عادلانه ترین شکل برخورد جامعه علیه آنها است، و بدون تردید باید آنرا در همه نقاط کشور به اجرا گذاشت!

مردم آزادیخواه!، جوانان!

در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحدهای مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید.

برای همفکری و راهنمایی های لازم با آدرس مابلهای زیر میتوان تماس گرفت:

[S zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

Iransocialist2017@gmail.com

سلام زیجی: درباره این موضوع در روزهای آینده برنامه زنده ای در شبکه های اجتماعی خواهیم داشت و در آنجا بطور جامعتری به پرسشهای شما و دیگر جوانب این فراخوان خواهیم پرداخت، همینجا علاقمندان را به شرکت در آن فرامیخوانم. از اینرو با اجازه شما و خوانندگان گرامی در اینجا بسیار فشرده به پرسش شما پاسخ خواهیم داد.

حرف اول من برای اینکه بتوان چنین فراخوان و ضرورت شکل دادن به این نوع مبارزه را نیز بدرستی درک نمود این است که بدوا باید متوجه شد ما در چه

کشوری هستیم، برای مقابله با کدام نظام حاکم چنین مبارزه ای را لازم می دانیم، و با چه سیستم وحشی چهل سال است مواجه هستیم که هر روز زندگی صدها و هزارها انسان زیر چکمه چنین استبداد مذهبی و شونیستی دارد له میشود. چهل سال تجربه کردن کافی است برای حداقل درک و درایت سیاسی این موضوع ساده که با جمهوری جنون و خون جمهوری اسلامی در ایران صرفا با اعتراض و اعتصاب و آن هم "خشونت گریز" نتوانسته و نخواهیم توانست مقابله کنیم. هر نیرو و فردی از زاویه "مبارزه مدنی" ضرورت "خشونت گریزی" هنوز هم از من و شما میخواهد بایک نظام سرتا پا جنایتکار و منشا خشونت و خونریزی و کشتار و شکنجه و تجاوز و شلاق و عامل صدها هزار اعدام و جنایتهای بی شمار دیگر همچنان باید فقط "مبارزه سیاسی و مدنی و اصلاح طلبانه و... کنیم" توصیه میکنند، بخواهند یا نخواهند این نوع نصایح های "عالمانه" و فلسفه باقی های بورژوامپاننه شان در خدمت به بقای رژیم اسلامی و در تائید عملکرد این نظام و یا حداقل گویایی بی تفاوتی شان به نابودی صدها هزار انسان به دست چنین نظامی میباشد.

تاسی با سب
iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org

← ادامه

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



نه فقط سرنگونی همه ارکان دولت مستبد و جانی و مقاومت سر سخته آنها و دستجات مختلف بورژوازی بلکه نفس امر سرنگونی چنین دولتی، مادام که نمیخواهیم سناریوهای ناکام پیشین را تکرار کنیم، و به ویژه برای استقرار آلترناتیو انقلابی و شورائی و سوسیالیستی و دفاع از آن تلاش

میکنیم، علاوه بر ارکان مهم مبارزه طبقاتی مانند تشکل کارگری و توده ای و حزب و خود آگاهی صفوف طبقه و هوشیاری جامعه تشنه آزادی و برابری، خود سازماندهی بخشهای از همین جامعه در سازمانهای مقاومت توده ای و انقلابی چه برای عقب نشینی به اوباش سرکوبگر در مبارزات جاری و چه برای آماده سازی برای تحولات بزرگتر و سرنگونی کلیت سیستم یک ضرورت غیر قابل چشم پوشی کردن و یک رکن اساسی شرط چنین پیروزی را تعریف و تضمین میکند.

به عبارت دیگر بدون چنین آمادگی پیروزی کارگر و صف آزادیخواهان در مقابل این همه هیولای وحشی و مسلح که برای حراست از نظام و طبقه و مناسبات حاکم بورژوازی اجبر شده اند و دست به ماشه هستند، غیر ممکن است. از قیام ۵۷ ایران تا خیزشهای که به بهار عربی مشهور شد و تا اعتراضات هر روزه شهروندان علیه حاکمیت و استبداد و فساد و جنایت به ویژه در ایران و عراق و ترکیه و سوریه و یمن و غیره همه گواه بر وجود چنین خلا بزرگی از سوی طبقه کارگر، کمونیستها و آزادیخواهان آن جوامع و مردمی که برای آزادی و برابری و امنیت و رفاه خود چندین دهه و چند قرن است سرکوب می شوند و قربانی می دهند اما همچنان سرکوب شده و بی حقوق باقی مانده است. اما ما

میتوانیم در کنار تلاش بیوقفه برای متحزب شدن و ایجاد فوری تشکل یابی کارگری و توده ای، و در کنار تامین صف مستقل جنبش و سیاست و رهبری مترقی و سوسیالیستی مان باید متوجه شده باشیم بدون برخورداری از اهرم دیگری که ابزار قدرت و مقابله مستقیم تر ما را علیه افسارگسیختگی و تروریسم و سرکوبگری حاکمیت و مرتجعینی که در برخورد به کوچکترین حرکت اعتراضی جامعه را در خود سازمان میدهد، امکان پیشروی علیه جمهوری اسلامی و مهمتر در تحولات پروسه سرنگونی و بعد از آن اگر کاملاً غیر ممکن نباشد بسیار بسیار دشوار و پرهزینه تر خواهد بود.

برای این امر مهم دوباره فراخوان خود را تکرار میکنیم: "ضرورت ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی و مجازات سرکوبگران در سراسر کشور، مجازات اوباش سرکوبگر جمهوری اسلامی یک ضرورت سیاسی و یک اقدام انقلابی است، کارگران، جوانان، آزادیخواهان در هر جای هستی واحدهای مقاومت انقلابی تشکیل بدهید"

در باره ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی ...

تاکید کردیم که امروز بطریق اولی این ضرورت صد چندان شده است. اوضاع بحرانی و فضای اعتراض و تحولات سیاسی در ایران، در کنار گسترش اعتراضات کارگری شاهد گسترش بیرحمانه تر دامنه سرکوب و وحشیگری بیشتر این رژیم به ویژه علیه طبقه کارگر هستیم، و همچنین در بعد منطقه ای و سراسری عروج انواع دستجات مسلح اپوزسیون و کپی شده خود جمهوری اسلامی، و حتی خطر شروع جنگ دیگر به بهانه "هسته" ای، و... همه این عوامل از ما میخواهد که باید جامعه خودش اقدام کند، فرشتهای نجات اعلام شده همه سم و ضد انقلابی اند. تنها باید به خود و جنبش و سوسیالیسم و مبارزه آزادیخواهانه خود در همه نقاط کشور متکی باشیم و امید ببندیم. در همه ابعاد مبارزه از جمله در شکل سازمان توده ای واحدهای مقاومت انقلابی که سنگ بنای اولیه مقابله متحد ملیتانه، مسلح و غیر مسلح، با ارتجاع مسلح و سرکوبگر میتواند باشد. چنین سیاست و اقدامات سازمانیافته ی لازم داریم پیش از آنکه بازیگران دیگر بورژوازی وارد صحنه تعیین تکلیف ها به روشهای ارتجاعی و فریبکارانه خود شوند، آزمون دیگر بسیار دیگر و تحقق آزادی و برابری که دنبالش هستیم دشوارتر و پرهزینه تر خواهد بود.

نه فقط سرنگونی همه ارکان دولت مستبد و جانی و مقاومت سر سخته آنها و دستجات مختلف بورژوازی بلکه نفس امر سرنگونی چنین دولتی، مادام که نمیخواهیم سناریوهای ناکام پیشین را تکرار کنیم، و به ویژه برای استقرار آلترناتیو انقلابی و شورائی و سوسیالیستی و دفاع از آن تلاش میکنیم، علاوه بر ارکان مهم مبارزه طبقاتی مانند تشکل کارگری و توده ای و حزب و خود آگاهی صفوف طبقه و هوشیاری جامعه تشنه آزادی و برابری، خود سازماندهی بخشهای از همین جامعه در سازمانهای مقاومت توده ای و انقلابی چه برای عقب نشینی به اوباش سرکوبگر در مبارزات جاری و چه برای آماده سازی برای تحولات بزرگتر و سرنگونی کلیت سیستم یک ضرورت غیر قابل چشم پوشی کردن و یک رکن اساسی شرط چنین پیروزی را تعریف و تضمین میکند.

برای رفع همه این مخاطرات، برای دفاع از امنیت خود، و برای امر سرنگونی فوری جمهوری اسلامی با یک استراتژی انقلابی و سوسیالیستی، که تنها راه نجات جامعه ایران نه تنها از جنگ جنایتکارانه جمهوری اسلامی که از دست انواع مخاطرات جدی مشابه در دوره پیش رویمان است باید متکی و متحد شد و به میدان آمد. بدین ترتیب پاسخ من به بخش دوم پرسش، مبنی بر اینکه آیا این سیاست استراتژی درستی است؟ ضمن یاد آوری وجه مهم سیاست و استراتژی مبارزاتی جنبش ما، که در پارگراف اول متن فراخوان ایجاد "واحدهای مقاومت انقلابی"

نیز آمده، پاسخ من کاملاً مثبت است. این سیاست خود یک اهرم قدرتمند و مثبت در راستایی خدمت به رکن اصلی مبارزه سیاسی، اقتصادی و کارگری در شکل اعتصاب و اعتراض و قیام میلیونی و سراسری از جمله در مراکز کارگری، به هدف تامین ملزومات همه جانب سرنگونی نظام حاکم سرمایه داری و کلیت جمهوری اسلامی باید مورد توجه قرار بگیرد.

بنظرم تمام آنها که آگاهانه مخالف چنین طرح و سیاستی هستند، از "چپ" تا راست، از دولت مرکزی تا احزاب بورژوازی، از ترامپ تا دولتهای جنایتکار حاکم به کشورهای منطقه که همواره از قیام و انقلاب کارگری و توده ای و همچنین از شکل گیری میلیس توده ای مسلح انقلابی وحشت دارند، از عروج قهر انقلابی طبقه ستم دیدگان و سرنگونی خود توسط اکثریت جامعه ی و طبقه کارگری که صاحب احزاب و سیاست و رهبران سوسیالیست و انقلابی و مسنول و همواره وحشت داشته اند و مانع شکل گیری آن بوده اند، عملاً به بقای استبداد نوع جمهوری اسلامی خدمت میکنند.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

عراق بعد از صدام و اعتراضات اخیر آن

زاگرس ابراهیمی



در حال حاضر به خاطر تنش های مابین برخی از دولت های عربی منطقه با ایران و مخصوصاً آمریکا

و اسرائیل شرایط کنونی عراق میتواند نقش مهمی در سنگینی طرف دیگر ترازو را ایفا کند به نحوی که در حال حاضر میتوان تظاهرات و نتایج آن را با دو دید متفاوت بررسی کرد. اول اینکه هر دو دولت ایران و آمریکا به خوبی بر این مسئله واقف هستند که به خاطر کمبود امکانات اولیه زندگی و نبود رفاه در کشور عراق نارضایتی گسترده ای در درون این مردم شعله میکشد که هر زمان لازم باشد با بازی دادن آنها در جهت تامین منافع خود میتواند آتش عظمی در عراق را به وجود آورد. به همین خاطر باید به این نکته مهم توجه داشت که در حال حاضر شروع یک ناآرامی دیگر در بغداد و شهر های دیگر عراق به سود کدام یک از این طرفین میباشد.

به نظر من با تحریم های جنایتکارانه ای که آمریکا علیه مردم بی دفاع ایران وضع کرده است و همچنین فشاری که به حکومت ایران آورده در مقابل رژیم ایران نیز تلاش میکند حتی از راه شرکت در سرکوب و حشیانه معترضان میخواید نشان بدهد "امنیت" و "ثبات" عراق را برای کم کردن تأثیرات تحریم های وضع شده را ضروری میداند. و در نهایت با گسترش و فراگیر تر شدن این اعتراضات ابتدا دوباره این مردم بی دفاع عراق هستند که از هر سو سرکوب میشوند و ضرر مند این اعتراضات میشوند زیرا دولت های جنایتکار و استعمارگر منطقه ای و فرامنطقه ای به هیچ وجه حاضر نیستند به راحتی دست از منافع خود در عراق بردارند، و هر دو دولت آمریکا و ایران نیز که شریک چند دهه جنایت و سر کار آوردن یک نظام ارتجاعی اسلامی- قومی- فدرالی در عراق هستند تجربه و تخصص خاصی در سرکوب اعتراضات مردمی دارند. تنها یک نیروی قدرتمند کارگری و آزادیخواهانه و مسلح در عراق میتواند این تناسب قوا را به نفع جامعه عوض کند!

به همین خاطر مردم باید کاملاً هوشیارانه عمل کنند و قبل از هرگونه درخواستی باید هدف اولیه اعتراضات آنها بیرون راندن تمامی دولتها و نیروهای نظامی و مزدوران آنان، از جمله بیرون راندن هر دو دولت جنایتکار آمریکا و ایران از سراسر عراق باشد تا بتوانند مستقیماً علیه حاکمیت سیاه مذهبی کنونی بر عراق نیز بهتر و قدرتمند تر قیام کنند. غیر از این متأسفانه هرگونه تظاهرات و گسترش آن به سود یکی از همین طرفین دخیل در خانه خرابی مردم عراق و دولت دست نشانده آنها در عراق تمام خواهد شد.

اتحاد حول خواسته های آزادی، برابری، رفاه، امنیت، و بیرون راندن کلیه نیروهای ایران و آمریکا و همزمان خواهان استقرار یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی شدن در عراق تنها راه رهایی مردم عراق از جهنمی است که دولت آمریکا و ایران و دیگر نیروهای قومی و مذهبی برای آنها به وجود آورده اند.

اگر بخواهیم در مورد تظاهرات مردمی و بر حق اخیر مردم عراق نظر دهیم ابتدا باید به ریشه اصلی به وجود آورنده این اعتراضات اشاره کرد که بعد از سقوط حکومت صدام حسین و تصرف این کشور در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا و شروع گسترش نفوذ ایران در این کشور ، عراق را تبدیل به میدان رویارویی مابین آمریکا و ایران کرد و بخش اعظمی از مردم عراق از آن زمان تا به حال رنگ آرامش را به خود ندیده اند.

بعد از سقوط صدام حسین تمامی حکومت های موجود در عراق با رقابت سخت مابین آمریکا و ایران تعیین شده اند و هیچ وقت مردم عراق نتوانستند حکومتی مورد دلخواه خود و نظام سالم و مترقی را بر سرکار بیاورند که بتواند در رفع مشکلات مردم قدمی جدی بردارد، بلکه کلیه حکومت های تشکیل شده مابعد صدام حسین همگی دست نشانده این دو دولت یعنی آمریکا و ایران بوده اند و هر کدام به جایی خدمت به مردم در وهله اول سعی در برآورده کردن خواسته های قدرت طلبانه یکی از آن دو کشور و چپاول اموال مردم و ثروت جامعه بوده اند. در این میان نیز مردم عراق به ویژه کارگران و زحمتکشان جامعه قربانیان اصلی این قدرت طلبی ها را تشکیل داده اند. به طوری که بعد از نزدیک به ۱۶ سال از سقوط دولت فاشیست صدام حسین اینها هم که همه شان از صدام فاشیست تر و بد رفتار تر با مردم هستند نه تنها هیچ قدم مثبتی در جهت تامین آزادی و امنیت و رفاه مردم بر نداشته اند بلکه شرایط زندگی برای شهروندان را به مراتب دشوارتر کرده اند و این کشور و مردمان آن تا به حال رنگ آرامش را به خود ندیده اند.

به نظر من اعتراضات مردمی عراق بر ضد فساد و نبود امکانات رفاهی کاملاً بر حق و جای حمایت از سوی هر جریان و فرد آزادیخواهی است. و ما قویاً از مطالبات آنها علیه فقر و فساد و علیه حاکمیت دست ساز ایران و آمریکا حمایت میکنیم. اما باید همزمان توجه داشت مسیر این اعتراضات به دلیل عدم وجود حضور قدرتمند احزاب پیشرو و سوسیالیست و مترقی که به جامعه، نه به دولتهای منطقه، متکی باشد متأسفانه باعث شده است که به نتیجه نرسد یا سرکوب شده یا جریان ارتجاعی دیگری آنرا به نفع خود تمام کرده است. به گونه ای که بیشتر اعتراضات مردم عراق حتی در اعتراضات خود نیز بدون آنکه متوجه باشند به سمت اهداف سلطه طلبانه حتی برخی از دولتهای دیگر نیز هدایت میشوند.

برای مثال زمانی که ایران امنیت در عراق برایش اهمیت دارد آمریکا و همپیمانان آن سعی بر ناامن کردن فضای سیاسی و اجتماعی عراق میکنند. و زمانی که ایران نیز به ناامنی احتیاج داشته باشد وضعیت کشور عراق به صورت مبارزات مردمی یا حملات مسلحانه گروه های شبه نظامی ناامن میشود و حتی اگر زمانی که این دو کشور باهم توافق کنند عراق برای مدتی رنگ آرامش به خود می بیند. اکنون نیز علی رغم همه حقانیت که معترضین دارند به دلیل همان مسئله نبود رهبران و احزاب دلسوز و مربوط به این مبارزات در صحنه سر انجام ناچار خواهیم بود با دید واقعی شرایطی که بر منطقه حاکم است و تأثیر گذاری یکی از دولتها و یا نیروهای مذهبی یا قومی دخیل در رویدادهای عراق به این تظاهراتها نیز نگریم.

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!



شبکه های اجتماعی مجازی و شکل گیری تصویر ذهنی زنان از بدنشان

تینا خلیفه ای

خواسته های جامعه در حوزه ی هویت و بدن انسان در طول تاریخ همیشه دستخوش تغییراتی بوده است که دیدگاه های جامعه تأثیر مهمی بر تعیین این ذهنیت کلی انسان از خودش داشته است. فضای اجتماعی تعیین کننده انتقال اطلاعات ها، محتوا، هنجارها و ارزش ها است. یکی از عواملی که بستر مناسبی را برای باز اندیشی در خصوص بدن فراهم آورده شبکه های اجتماعی مجازی هستند. بستر شبکه های اجتماعی همانطور که گیدنز میگوید: (ظهور مدرنیته ی عصر جدید و رشد جهانی شدن تردید، همه ی پارامتر های زندگی روزمره را در بر گرفته است) در چنین جوامعی هویت ها و احساس ها از خویشتن امری از پیش تعیین شده نیست. چنین خویشتن های متغیری نتیجه ی باز اندیشی انسان عصر فرا مدرن است و باز اندیشی بدن و مسائل مربوط به آن را در بر گرفته است.

رسانه ها با تأکیدی که بر تصویر ایده آل می گذارند مسئول گسترش ایده های زیبایی لاغری و به طور کلی خود بینی فیزیکی چه در زنان و مردان "همانطور که در کره جنوبی شاهد هستیم" و همچنین عدم رضایت فرد از تصور بدن خود و نگرش ها نسبت به او هستند. رسانه هابر استاندارد های مورد قبول و فراگیر اجتماعی لاغری زیبایی و تعیین نقش برای زنان تأکید داشته به رواج آن ها می پردازد و از سوی دیگر تبلیغات و تصویری که از زن ایده آل در رسانه ها نشان داده میشود چونکه تصویری غیر واقعی و غیر قابل دسترسی برای عموم مردم است. بیشتر زنان مخصوصاً دختران جوان که کپی بردار و مقلد ذاتی از درخواست فرهنگ عمومی هستند دچار نوعی افسردگی، خود کم بینی، اختلالات روانی "پر خوری عصبی، کم خوری عصبی" و همچنین عدم توجه به سایر توانایی ها و فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که باعث هر چه برجسته تر شدن صفت جنسیتی و جذابیت جنسی زن می شود.

افراد معروف و سرشناس عامل اصلی گسترش این تأثیر گذاری هستند. آن ها با ارائه ی روش زندگی ایده آل و مصرف گرایی افراطی طرفداران زیادی را برای خود به دست می آورند، و این افراد هم کم تا بیش اسفنج مانند بیشتر رفتار ها و خصلت ها را جذب میکنند (با ذهنیت جامعه و فرهنگ عمومی) رفتارها را میپذیرد و تا حد امکان آن را برای قبول بیشتر و برتری بیشتر در جامعه به کار میبرد. این حالت توانسته زنان را از خود ناراضی و به سوی ترسیم ذهنی اجتماعی بکشد (که هنوز درک درستی از جایگاه زن در جامعه ندارد) همراه با سود کلان سرمایه داران و دولت دارانی است که تنها چیزی که به آن فکر نمیکنند ارزش اجتماعی زن، ترویج فکر برابری جنسیتی، آسودگی فکری فرد در رابطه با نوع زندگی و جهت گیری جنسیتی جامعه و نظر روانکاوان و روانشناسان در این حیطه است.

فضای مجازی با ایجاد شبکه ای گسترده از کنش متقابل با افراد دیگر و دریافت اطلاعات از سوی هر زمان و مکانی به کاربران اجازه میدهد تا بی واسطه و بدون هیچ محدودیتی قابلیت دسترسی به اطلاعات مختلف و با دانش و میراث های فرهنگی کشور های دیگر آشنا شود و تأثیر پذیر باشد این از طرفی خوب و از طرفی غیر قابل کنترل و مورد سوء استفاده ی ناخودآگاه بسیاری از مدل ها و برندهای مجازی می شود که زن را به طرف بردگی فکری از لحاظ آشنایی با آنچه هست و قبول کردن آن میبرد. با آگاه سازی در جامعه به خصوص در میان دختران جوان باید به آن ها یاد بدهیم لاغر یا چاق (اگر به علت تندرستی فیزیکی برای آن ها وزنی ارائه نشده باشد)، سفید یا سیاه، با رنگ چشمان آبی یا قهوه ای یکسان آزاد و برابر خواهند بود و به جای پرداختن به موج تقلیدی دنیای امروزه بهتر است شخصیتی نو و موفق از خودشان بسازند که خروجی های زندگیشان افکار فریب دهنده ای نباشد که جامعه ی مردسالار و حکومت بورژوا از او میخواهد.



iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است. در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروه های مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید. حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

بعدها ۴۰ سال تجربه شکست و تحمل زندگی بردگی زیر سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اکنون برای ممانعت از تکرار یک شکست بزرگ دیگر، برای به پیروزی رساندن جنبش آزادیخواهی و برابری و دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی، راهی بجز تأمین صف مستقل طبقاتی جنبشمان، پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، انتخاب سیاستهای آن، ایجاد احزاب مشابه، و همچنین در پیش گرفتن یک سیاست اصولی تر و مستقل تر کارگری- سوسیالیستی از جانب دیگر نیروهای چپ اپوزسیون، پیش روی طبقه کارگر و جامعه قرار ندارد!

همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!

سرنگونی جمهوری اسلامی از راه قیام کارگری و قیام مسلحانه توده ای

آذر کیمیا

دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران در ایران استثمار کارگران، ممانعت از تشکیل یابی آنها و پایین نگهداشتن حداقل دستمزدها و به جیب زدن سود و ارزش اضافی کلانی که کارگران تولید می کنند را جزو استراتژی خود می دانند. حتی حاضر نیستند آن حداقل دستمزد کارگران را که برای آن جان کنده اند و به آنها تعلق دارد را سرموعد به آنها پرداخت نمایند. کارگران را مجبور میکنند به جای فکر کردن به جلو و آینده مبارزه شان به گذشته و به نجات حداقل مزد شان به اعتراض برخیزند.

ج ا که حامی طبقه سرمایه دار است تحمل هیچگونه تجمع کارگری را ندارد چونکه خوب میداند که پاشنه آشیل حکومت آنها در همبستگی و حمایت و تشکل و پیوند کارگران کارخانجات مختلف با همدیگر به عنوان یک طبقه تاریخ ساز است. در نتیجه به نیروهای سرکوبگر خود دستور میدهند که بی رحمانه به کارگران حمله کنند، آنها را شدیداً سرکوب نمایند و آنها را در محل کار دستگیر و روانه زندانهای خود می کنند و یا شبانه به منزل کارگران یورش برده و برای باز جویی آن را دستگیر و بازداشت می کنند تا شاید با ایجاد وحشت کارگران را از مبارزه برای گرفتن حق و حقوق خود منصرف سازند.

کارگرانی که کارد به استخوان آنها رسیده چاره ای جز مبارزه و مقاومت ندارند. دیگر اقتشار مترقی و زحمتش جامعه نیز که تحت فشار و سرکوب هستند باید از مبارزه و حقوق کارگران در مقابله با جمهوری اسلامی و سرمایه داران حمایت کنند. ج ا عامل فقر و بیکاری و شکل گیری فاجعه اقتصادی و اجتماعی کنونی در زندگی کارگران و زحمتکشان کشور است.

نه برای مردم شرافتمند ایران و نه برای کارگران و زحمتکشان ایران راهی بجز سرنگونی ج ا پیش رو نیست. تجربه چهل سال استثمار و سرکوب و جنایت به همه ثابت کرده که راه نرمش و سازش و زبان خوش و امید به تغییر و اصلاحات برای بهبود شرایط و مقابله با این حکومت به بن بست رسیده و هیچ تاثیری نداشته و نخواهد داشت. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها از راه قیام کارگری و قیام مسلحانه توده ای از سوی همه اقشار سرکوب شده و آزادیخواه میتواند به نتیجه برسد.

بازی تیم ملی ایران و کامبوج و بازی با زنان!

جلال. ش

همانطور که شاهد هستیم بازی تیم ملی ایران و کامبوج در استادیوم آزادی برای زنان گشوده شده و صندلی اختصاصی که برای زنان مشخص شده در چند ساعت اول همه بلیت ها فروخته شده. در شرایط کنونی چنین اتفاقی اینطور به نظر میرسد که این حرکت یک ساختار شکنی عقیدتی از طرف جمهوری اسلامی به خاطر فشاری افکار عمومی مردم ایران و واکنش جهانی نسبت به اتفاق دختر آبی است، اما در عین حال ما به این حربه ها آشنا هستیم که با شوهای انتخاباتی روبرو هستیم و باید چنین اقداماتی را بیشتر ترفندی برای جذب زنان و کشاندن آنها به شرکت در بازی انتخاباتی دشمنان خود بحساب آورد.

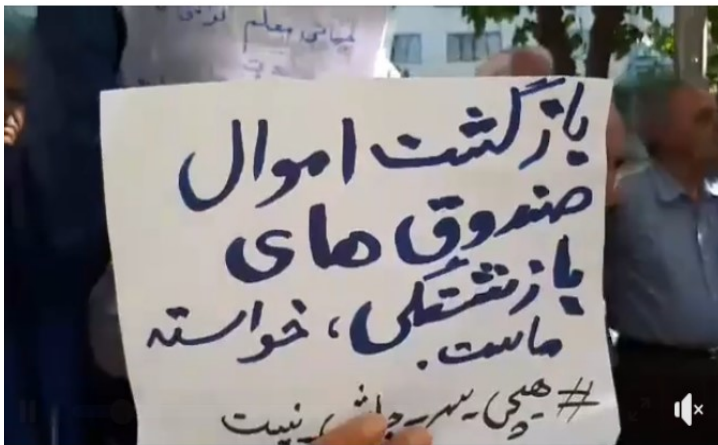
با توجه به زندگی خفت بار زنان در ایران و ظلم و حقارتی که زنان متحمل ان هستند محال است که بگویم چنین اقدامی به خاطر ارج نهادن و ازاد گذاشتن خانمها است. این رژیم منفور و مریض الحال نه به افکار عمومی، نه به واکنش جهانی، نه به خودسوزی دختر آبی، و نه به هیچ چیز دیگری اهمیت میدهد. این ملایان هرزه و سیستم حاکم ضد زن فقط به فکر منافع و دله دزدی های خودشان هستند. یکی از اخوندهای مغز متفکرشون فرموده اند که اگر خانمها به استادیوم آزادی بروند در انجا دچار هیجان میشوند و یادشان مرود و از شوهرشان غافل میشوند و نمیتواند برای شوهرش که خسته است چایی بریزد. این حرفها از یک ذهن سالم واصل و انسان به دور است ما زنانها و مردان چهل سال است که با این طرز تفکرهای قرون وسطایی و عصر حجری و روانی و وحشی زندگی کرده ایم. آنها نه ارزشی برای مادر و خواهر و همسر خود قائل هستند و نه برای زنان دیگر جامعه. وقتی اخوند دو ریالی میکوید زن فقط یک حیوان است برای استفاده مرد، دیگر چه انتظاری باید داشت که به زنان ارزش و آزادی بدهند. هر کاری هم انجام بدهند به نفع خودشان میکنند تا بتوانند برای پیشبرد اهداف کثیف خود زنان را فریب بدهند و از شون سواستفاده کنند.

رژیم جمهوری شیطانی برای استفاده از زنان برای دلکک بازیها بیش در انتخابات ناخواسته و از روی اجبار فقط برای جذب زنان و ایجاد تردید در نه گفتن به جمهوری اسلامی است که اجازه داده زنان در استادیوم ورزشی حضور داشته باشند. به نظر من اگر زنان ایران با یه اجازه دادن انهم با زور خفت برای رفتن به استادیوم ورزشی بخواهند در انتخابات به این رژیم از ریشه کثیف و و ضد زن رای بدهند همان بهتر که این رژیم بالای سرشان باشد.





۱۳ مهر- تجمع فرهنگیان بازنشسته ایران به مناسبت روز جهانی معلم



▼ دومین روز اعتصاب کارگران حمل و نقل خلیج در اعتراض به شرایط نا ایمن شغلی و معیشتی شان! کارگران شرکت حمل و نقل خلیج، یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی نسبت به بی‌ثباتی وضعیت شغلی، قراردادهای متزلزل، ماه‌ها حقوق عقب‌افتاده و عدم امنیت کاری دست به اعتصاب زده اند.





Salam Zijji

از همه مبارزین راستین جنبش طبقه کارگر می‌خواهم به هر شکلی که میتوانند مانع حمل بانر و عکس سران رژیم فاشیست و ضد کارگری جمهوری اسلامی از جانب کارگران هفت تبه و کلیه اعتراضات کارگری شوند. نمیتوان علیه نظامی اعتراض و قیام کرد و مطالبه بیرون آوردن رفقایمان را از زندانش و شکنجه گاهایش بلند کنیم اما همزمان عکس سران ضد کارگری همین نظام و عاملین سرکوب چهل ساله خود و طبقه کارگر را در دست گرفت! به این روشهای مسموم و دست ساز جمهوری اسلامی و کپی گرفته از نهادهای جمهوری اسلامی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی، باید پایان داد. رفقا! عکس دشمنان خود را در دست نگیرید! آنها را زیر پایتان له کنید!



۱۴ کارگر نیشکر هفت تبه بازداشت شدند



اعتراضات کارگران نیشکر هفت تبه همچنان ادامه دارد. مقام‌های امنیتی و مالک کارخانه برای پایان دادن به اعتراض کارگران از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنند؛ تفرقه افکنی، تهدید، اخراج و بازداشت کارگران. در چهاردهمین روز اعتراض کارگران در محل کار، ماموران امنیتی سه کارگر را بازداشت کردند. برخی منابع خبری می‌گویند؛ شمار بازداشتی‌ها بیشتر است و شماری از کارگران معترض هم به صورت تلفنی تهدید به اخراج و بازداشت شده‌اند.



اعتصاب در نیشکر هفت تبه. عکس: آرشیو

شمار کارگران بازداشت شده مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تبه در شامگاه یکشنبه چهاردهم مهر به ۱۴ تن رسید. سه تن از این کارگران در شوش توسط پلیس امنیت دستگیر شدند و یازده تن دیگر در مسیر حرکت به تهران، در خرم‌آباد.



زنده باد نظام شورایی! زنده باد نظام سوسیالیستی!

روزهای یکم و پانزدهم هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

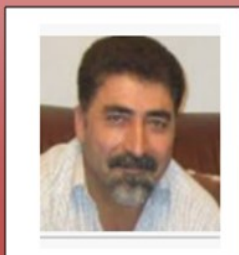
به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

سمینار در باره ضرورت ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی و مجازات سرکوبگران در سراسر کشور



ارائه دهنده: سلام زیجی

مکان: شبکه های اجتماعی فیس بوک و انستاگرام
صفحات: socialism imroz و salam zijji

زمان: یکشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۸ برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹
ساعت ۲۲ به وقت ایران، ۲۰ به وقت اروپای مرکزی

دیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۱۴ مهر ۱۳۹۸ / ۶ اکتبر ۲۰۱۹

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهنامه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!
(سلام زیجی)

اخراج و بیکارسازی موقوف!